

رفتار شناسی سیاسی امام حسن علیه السلام بعد از صلح کبری پستاریان¹

چکیده

صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) با معاویه، یکی از صفحات مهم تاریخ اسلام است که نشان‌دهنده حکمت و استراتژی‌گذاری فراوان امام حسن (ع) در مواجهه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. این صلح، به عنوان یکی از مواقع مهم تاریخی، دارای ابعاد متعددی از جمله اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است که از طریق بررسی و تحلیل آن می‌توان ارزشمندترین درس‌ها و عبرت‌هایی را برای انسان‌ها و جوامع ارائه نمود. هدف از نوشتن این مقاله، تبیین رفتار شناسی امام حسن بر اساس منابع تاریخی و بررسی مؤثرات اجتماعی و سیاسی بر رفتار امام حسن و تحلیل اهداف و انگیزه‌های امام حسن در پذیرش صلح است. و ما در این مقاله از روش جمع آوری داده استفاده کردیم.

در این مقاله، ابتدا به بررسی شرایط و زمینه‌های صلح امام حسن (ع) با معاویه می‌پردازیم و سپس به معرفی مفاد و شرایط این توافق، واکنش‌ها و نقدهای امام (ع) به موارد نقض شرایط صلح، و تأثیرات و پیامدهای آن بر جامعه اسلامی و مسلمانان می‌پردازیم.

در نتیجه، این مقاله تأکید می‌کند که فهم صحیح و دقیق از رفتار امام حسن (ع) در صلح با معاویه، می‌تواند به عنوان یک الگوی اخلاقی و سیاسی برای مسلمانان در هر زمان و مکانی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه : امام حسن علیه السلام، سیاست، صلح، معاویه.

مقدمه

¹ پستاریان، کبری، سطح دو حوزه علمیه حضرت رقیه (سلام الله علیها)، شهرستان رامهرمز.

در روزگاری که سیاست و قدرت، به عنوان دو عامل حیاتی در ساختار جوامع انسانی، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، مطالعه و تحلیل رفتار شخصیت‌های تاریخی در حوزه سیاست، از اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از این شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام، امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) است که در دوران حکومت خود، با رویکردی منطقی و استراتژیک، تصمیم به انجام صلح با معاویه، حاکم بنی‌امیه، گرفت. این تصمیم از جنبه‌های مختلف، از جمله اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، تأثیرات و پیامدهای فراوانی را بر جامعه اسلامی داشته است که تا به امروز اثرات آن به‌عنوان یکی از مواجهه‌های بزرگ تاریخ اسلام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مقالاتی که محور این موضوع کار شده اند عبارتند از: «تحلیل کاربردشناسی خطبه امام حسن علیه السلام در باب صلح، نویسندگان؛ عربی موسی و اشراق پور مریم»، «صلح امام حسن علیه السلام در سنجه تمدن اندیشی؛ امنیت و همگرایی اجتماعی، نویسنده؛ واسعی سید علیرضا». و «کتابی هم که نوشته شده است تحت عنوان: زندگی امام حسن علیه السلام است؛ نویسنده؛ مهدی پیشوایی».

در این مقاله، قصد داریم به تحلیل رفتار شناسی سیاسی امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) پس از صلح با معاویه بپردازیم. بررسی این موضوع به ما کمک می‌کند تا عمق فکری و استراتژیک امام حسن (ع) در مواجهه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی آن دوران را بهتر درک کنیم و در نتیجه، درس‌هایی برای دوران‌های آینده بگیریم.

ابتدا، به معرفی امام حسن (ع) به‌عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام و تشریح مختصری از زندگی و کارنامه او خواهیم پرداخت. سپس به بررسی شرایط و زمینه‌های صلح با معاویه و وقایع پس از آن می‌پردازیم. در ادامه، رفتار و استراتژی امام حسن (ع) پس از صلح را بررسی و تحلیل خواهیم کرد. در این بخش، مواقف و تصمیمات او نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رفتار امام حسن علیه السلام بعد صلح چگونه بود؟

امام حسن (علیه السلام) پس از صلح با دقت به تعهدات و شروط توافق نامه پایبندی کرد. ایشان هر گونه تخلف یا نقض این توافق نامه را از خود دور کرد و به رعایت شرایط صلح توجه کرد. و به پیگیری و رسیدگی به امور مردمی و اسلامی اختصاص داد. ایشان به ترویج اصول و ارزش های اسلامی، آموزش اخلاق و ارزش های دینی، و رهبری مجامع علمی و تربیتی اهتمام نمود.

مفهوم امام

انباری می گوید: «الامام مَنْ يُوْتَمُّ بِهِ وَ لَا زَمَ أَنْ يَكُونَ جَامِعاً لِلْكَمَالَاتِ وَ ضَابِطاً لِصِفَاتِ الْإِلَهِیَّةِ حَتَّى يَهْتَدَى بِهِ»^۲ امام کسی است که به او اقتدا شود و لازم است که دارای کمالات و دربردارنده صفات الهی باشد تا به واسطه ی آن دیگران هدایت شوند.

مصطفوی قائل است: «امام کسی است که همواره مقصود و هدف حرکت و تلاش دیگران قرار گیرد، گرچه با اختلاف موارد و قصدکنندگان و جهات و اعتبارات، گوناگون می شود؛ مانند امام جمعه و جماعت، امام هدایت و ضلالت»^۳

طریحی معتقد است: «امام کسی است که مردم به او اقتدا کرده و از او پیروی می نمایند.»^۴

مرحوم طبرسی می گوید: «امام کسی است که به او در افعال و اقوالش اقتدا می شود و تدبیر امت و قیام به امور آن ها و سرپرستی ولات و اقامه ی حدود و محاربه با دشمنان را به عهده دارد.»^۵

^۲. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج 1

^۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب

^۴ ایجی، عبدالرحمان بن احمد، المواقف فی علم الکلام

^۵. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن

مفهوم صلح

آشتی کردن، سازش کردن، سازگاری با دوست و دشمن (فرهنگ عمید) و محقق حلی که در شرایع الاسلام در تعریف صلح می نویسد: صلح عبارت است از عقدی که برای پایان دادن تنازع تشریع شده است و متفرع بر غیرش نیست اگر چه فایده آن را افاده می کند. پس صلح به معنی واقعی آن عبارت است از: آزادی از جنگ، منع خشونت و تامین عدالت اجتماعی به ویژه زمانی که مردم با هم شاد زندگی کنند و بدون اختلاف نظر با هم کار کنند را صلح گویند.

خلاصه ای از زندگی حضرت

پدر حضرت، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و مادرش، حضرت فاطمه، دختر پیامبر خدا صل الله علیه و آله است.

ایشان در شهر مدینه، شب نیمه ی ماه رمضان سال سوّم هجرت، تولّد یافت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله پس از ولادتش او را گرفت و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت. سپس برای او گوسفندی قربانی کرد و سرش را تراشید و هم وزن موی سرش، که یک درم و چیزی افزون بود، نقره به مستمندان داد. دستور داد تا سرش را عطرآگین کنند.^۶ و از آن هنگام آئین عقیقه و صدقه دادن به هم وزن موی سر نوزاد پدید آمد.

اسم حضرت را حسن گذاشتند و کنیه ی ایشان ریا ابو محمد. ی القاب حضرت: البسط و السید و الزکی و المجتبی و التقی است.

^۶. بحار النوار، ج 43، ص 239

همسران او عبارتند از: «امّ اسحاق» دختر طلحه بن عبیدالله، «حفصه» دختر عبدالرحمن بن ابی بکر، «هند» دختر سهیل بن عمرو، و «جعدة» دختر اشعث بن قیس... و این آخرین، همان است که به اغوای معاویه او را مسموم و شهید کرد.^۷

فرزندان آن حضرت از دختر و پسر پانزده نفر بوده اند؛ به نامهای زید، حسن، عمرو، قاسم، عبدالله، عبدالرحمن، حسن اثم، طلحه، امّ الحسن، امّ الحسین، فاطمه، امّسلمه، رقیه، امّ عبدالله و فاطمه.^۸

هیچ کس از جهت منظر و اخلاق و پیکر و رویه و مجد و بزرگواری به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شبیه تر از او نبود.^۹ وصف کنندگانش درباره حضرت چنین گفته اند: «دارای رخساره ای سفید آمیخته به اندکی سرخی، چشمانی سیاه، گونه ای هموار، محاسنی انبوه، گیسوانی مجعد و پر، گردنی سیمگون، اندامی متناسب، شانه ای عریض، استخوانی درشت، میانی باریک، قدی میانه نه چندان بلند و نه کوتاه سیمایی نمکین و چهره ای در شمار زیباترین چهره ها بود»^{۱۰}

دوران خلافت^{۱۱}

وقایع تبخ و مصیبت باری که عاقبت باعث شهادت حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه شد و تا خلافت امام حسن علیه السلام ادامه یافت، بعد از شکست خوردن دشمنان حضرت علی علیه السلام در جنگ های جمل و نهروان و صفین و شهادت آن حضرت در مسجد کوفه و خاکسپاری او، شیعیان آن حضرت با امام حسن علیه السلام بیعت نمودند.

^۷. همان، ج ۴۴، ص ۱۷۳

^۸. ارشد شیخ مفید، ج ۲، ص ۲۰

^۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۸

^{۱۰}. همان، ص ۳۰۳

^{۱۱}. کتاب چهارده معصوم

را انسان وقتی که می خواند، مو بر بدن انسان راست می ایستد، از بس قوی و قدرتمندانه است. در ماجرای صلح و بعد از صلح آن چنان کلمات قاطع و کوبنده ای از این بزرگوار نقل شده که از کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام در مواردی کوبنده تر و تیزتر به نظر می رسد. من در کلمات امیرالمؤمنین آن جور کوبندگی و قدرت را کمتر دیدم در مقابله با دشمنان؛ شاید به خاطر این بوده که امیرالمؤمنین با آن چنان دشمنانی روبه رو و از نزدیک مواجه نشده بوده که این قدر وقیح و خبیث باشند. بنابراین هیچ گونه کمبودی در کار امام حسن نیست. کمبود در شرایط زمانه است. قدرتمندانه ایستاده برای دفاع، این یکی از روش هاست، تا آنجایی که ممکن است. یک جاهایی ایستادگی قدرتمندانه به ضرر تمام می شود و همیشه همین جور است. یک جاهایی ایستادگی و ادامه کار قدرتمندانه به ضرر تمام می شود. تغییر روش و مانور در انتخاب روش ها یک کار اساسی و لازم است. دوم، تبلیغ. کار تبلیغ در دستگاه حق اهمیتش بسیار زیاد است. منتها- همان طور که گفتیم - جریان حق در تبلیغ دستش بسته است. از هر شیوه ای، از هر روشی نمی تواند استفاده کند. آن چیزی را که حق و واقع هست فقط بیان می کند، یک چیزهایی هست توی ذهن مردم، در ذهن مردم مطلوب است، جریان باطل هیچ ابایی ندارد که آنها را به همان شکلی که مردم دوست می دارند بیان کند؛ اما جریان حق نخیر، حق را بیان می کند ولو تلخ باشد. شما می بینید امیرالمؤمنین در مواجهه با یاران خودش گاهی با آنها آن چنان تلخ حرف می زند که انسان تعجب می کند. ماها که با اینکه دوست می داریم که روشهایمان همان روش ها باشد، برای ما هم حتی تعجب انگیز است در مواردی. معاویه هیچ وقت این کار را نمی کرد. معاویه تملق مردم را می گفت. معاویه سعی می کرد به هر قیمتی هست حمایت مردم را جلب کند. علی بن ابی طالب این کار را نمی کند. نه اینکه بلد نیست؛ برخلاف تقوی است، برخلاف اصول است و خود علی بن ابی طالب فرمود: «لَوْ لَا التَّقَى لَكُنْتُ أَذَى الْعَرَبِ» (الكافی، ج 8، ص 24) اگر مسئله تقوا نبود و ملاحظات ارزش ها نبود، من از معاویه زرنگ تر بودم. توی این کارها، واقش هم همین است، اصل و ریشه علی و سابقه نزدیکی او با پیغمبر و افتخارات عظیم او و آن ذهن و

روح با عظمت او؛ معلوم است که از معاویه واردتر و بلدتر و زرنگ تر است و می تواند خیلی کارها بکند. منتها حق اجازه نمی دهد.

ارزش گرایی؛ و شیوه دیگر اصرار بر حفظ ارزش ها. آن چیزی که در دستگاه حق خیلی مهم است و در شیوه های آنها مورد توجه است این است که اصرار دارند که ارزش ها را به هر قیمتی هست حفظ کنند، و در نهایت عقب نشینی تا حد و مرز حراست از بقای مکتب. این را هم توجه داشته باشید؛ یعنی حق اگر دید که ایستادن او موجب می شود که اصل مکتب به خطر بیفتد عقب نشینی می کند، ننگ و عارش نمی آید از عقب نشینی کردن. امام حسین فرمود: «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ، وَالْعَارُ خَيْرٌ مِنْ دُخُولِ النَّارِ» (بحار النوار، ج 75، ص 128) من اگر قرار باشد ننگ را قبول بکنم، قبول می کنم اما داخل آتش جهنم نمی شوم. یک جاهایی هست که بعضی ها برای اینکه ننگشان می آید یک کاری را انجام بدهند حاضرند عذاب و سخط (یعنی خشم و غضب) الهی را به خودشان جلب کنند. ننگ چیست؟ اصل این است که انسان رضای خدا را جلب کند. اصل این است که انسان وظیفه اش را انجام بدهد، ولو برگشتن از یک حرفی باشد، برگشتن از یک خطی باشد، عقب نشینی از یک موضعی باشد. هر چه که خدا می خواهد، هر چه که خدا راضی است؛ ببینید این یک اصل است در زندگی ائمه علیهم السلام؛ در زندگی امام حسن هم همین جور، آن وقتی که امام حسن به خاطر ضرورت ها و فشار واقعیت ها ناچار شد صلح با معاویه را قبول بکند، درحالی که تا آن وقت مرتب لشکر می فرستاد، تحریر می (یعنی برانگیختن) بر جنگ می کرد، و نیروها را جلب می کرد و نامه می نوشت و همه کارهایی که برای یک جنگ تمام عیار لازم است امام حسن انجام میداد، بعد که دید نمی تواند، صلح را قبول کرد. دوستان نزدیکش حتی از او برگشتند. .. آن وقت بعد از آنی که امام حسن صلح را قبول کرد خیلی ها خوشحال شدند، ته دلشان از جنگ ناراحت بودند؛ اما همان هایی هم که حتی شاید در دلشان خوشحال شده بودند، برگشتند به امام حسن بنا کردند آن حضرت را ملامت کردن، که آقا! شما چرا از حرفت برگشتی؟ نزدیکان حتی، بزرگانی که من نمی

خواهم اسم آنها را بیاورم، جزو صحابه دارای چهره های تابناک، آنها آمدند به امام حسن تعبیرات ناشایستی را کردند. اما آن بزرگوار، عقب نشینی کرد برای حفظ مکتب.

نتیجه

با توجه به تحلیل های ارائه شده در این مقاله، صلح امام حسن مجتبی (ع) با معاویه به عنوان یکی از رویدادهای بزرگ تاریخ اسلام، نه تنها نشان از حکمت و تدبیر سیاسی امام حسن (ع) دارد بلکه به عنوان یک درس عمیق اخلاقی و انسانی نیز برای همه مسلمانان می تواند مورد بررسی قرار گیرد.

این صلح، نشان می دهد که امام حسن (ع) با توجه به مصالح اسلامی و اخلاقی، از راه های دیپلماتیک و صلح آمیز برای جلوگیری از فتنه ها و خونریزی ها استفاده کرده است. علاوه بر این، صلح امام حسن (ع) با معاویه به عنوان مثالی درخشان از توانایی ها و بزرگواری امامان اهل بیت (علیهم السلام) در مواجهه با شرایط پرتنش و دشوار تاریخی، مطرح می شود.

در نتیجه، این مقاله تأکید می کند که فهم صحیح و دقیق از رفتار امام حسن (ع) در صلح با معاویه، می تواند به عنوان یک الگوی اخلاقی و سیاسی برای مسلمانان در هر زمان و مکانی مورد استفاده قرار گیرد. آرامش و ثباتی که پس از این صلح در جامعه اسلامی بوجود آمد، اهمیت این اقدام و تصمیم امام حسن (ع) را به خوبی نشان می دهد و نشان می دهد که حل مسائل اجتماعی و سیاسی با روش های صلح آمیز و تدبیرمحور، همواره در دسترس است و به عنوان یک راه حل مطلوب معرفی می شود.

براساس مطالعه رفتار شناسی سیاسی امام حسن، پیشنهاد می شود که رهبران و سیاستمداران معاصر نیز از این الگوی رهبری الهی الهام بگیرند و در اقدامات و تصمیمات خود به ارزش ها و اصول اخلاقی و انسانی پایبند باشند. همچنین، توجه به منافع عمومی و حفظ وحدت و همبستگی اجتماعی به عنوان اولویت در تصمیم گیری های سیاسی و اجرایی تأکید شود. علاوه بر این، ترویج فرهنگ صلح و مذاکره به عنوان رویکرد اساسی در حل اختلافات و رفع تنش ها در جوامع ترویج یابد.

منابع

- ابن ابی الحدید، نهج البلاغه، کتاب نیستان، چاپ دوم، 1393
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج 1، مترجم عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، 1363
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 12 و 15، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، 1426.
- ایجی، عبدالرحمان بن احمد، المواقف فی علم الکلام، نشر عالم الکتب، بیروت، 1411.
- آیت الله سید علی خامنه ای، انسان 250 ساله، موسسه ایمان جهادی، چاپ اول، 1390
- آیت الله عظمی سید علی خامنه ای، صلح امام حسن پرشکوه ترین نرمش قهرمانانه تاریخ، آسیا، 1397
- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، 2، 3، 4، بنیاد بعثت، تهران، 1416.
- پیشوایی، مهدی، زندگی امام حسن علیه السلام، انتشارات نسل جوان، چاپ نهم، 1371
- شیخ مفید، ارشد، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ق، 1413ق
- طبرسی، احمد بن علی، احتجاج طبرسی، برگا، چاپ اول، 1393
- الفتوح، الکوفی، أبو محمد أحمد بن اعثم، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1406 ق
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب السلامیه، 1315ق
- محمدی اشتهااردی، محمد، نگاهی بر زندگی امام حسن علیه السلام، مطهر، چاپ دوم، 1376

